

کردستان

در تاریخ دو هزار و پانصدساله ایران

کردستان مرکزی از پاکترین و کهنترین شاخه‌های نژاد آریائی است که طی قرن‌ها گذشت زمان شاهد حوادث مهمی در تاریخ ایران و جهان بوده است. کردها یعنی ملتی که در این سرزمین ساکن‌اند از قدیم‌الایام تاکنون همواره جان‌نثاری و فداکاری بی‌دریغ خود را در راه حفظ و نگهبانی آب و خاک خویش نشان داده و در بنای کاخ عظمت‌های ایران و اعتلای نام آن سهمی به سزا داشته‌اند.

هدف ما از عنوان بالا اینست که جلوه‌هایی از میهن‌پرستی و فداکاری و نقش مؤثر این قوم را در نشیب و فراز تاریخ ایران بیان کنیم به صراحت می‌توان گفت که در بسیاری از کتابهای تاریخ و نوشته‌های محققان نه تنها در نهایت اختصار به این مطالب اشاره شده، بلکه مسائل مربوط به کردها و بحث از ریشه نژادی و فداکاریهای ملتی که در فتح نینوا و غلبه بر یونان و دفع رومیان و حمایت از مدائن و جلوگیری از مهاجمین عرب و هزاران موقع سخت دیگر در صف مقدم سپاه ایران بوده (۱)، با بی‌اعتنائی و عدم توجه روبرو شده، و غالباً با تعصبات و حب و بغضها آمیخته است.

تحقیق و تتبع کامل در این زمینه و جمع‌آوری و بررسی و تلفیق و تنظیم کلیه مطالب و شواهد مربوط به آن مستلزم نوشتن کتابی جداگانه با عنوان «نقش کردستان در تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران» است.

نویسنده این‌طور که در مقالاتی با همین عنوان ولی بطور مختصر به بررسی نقش کردستان در میهن عزیز خود ایران می‌پردازد مطمئن است که به فرموده سرسلسله بلند پایه عارفان مولانا جلال‌الدین:

«گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد قسمت یک روزه‌ای»

به قول ویل دورانت: «تاریخ کتابی است که همیشه آدمی بایستی از وسط آن آغاز کند (۲)». گفتگو درباره آن قوم هند و آریائی از حوالی ماوراءالنهر به سوی جنوب و مغرب فلات ایران، و بطور کلی مطالب مربوط به پیش از حکومت مادها، گرچه از نظر تحقیق در ریشه نژادی کرد مربوط به موضوع بحث ماست ولی جای آن کتابهای تاریخ است نه مقالاتی محدود. به همین دلیل و به منظور خودداری از اطاله کلام، سخن را از دوره مادها آغاز می‌کنیم. و از آنجا که برای روشن شدن بسیاری از زوایای تاریخ و مبهم تاریخ کرد، تنها تحقیق در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی کافی نیست به بحثی مختصر در باره زبان و آداب و

(۱) کرد و پیوستگی‌های نژادی او، رشید یاسمی ص ۹ (۲) تاریخ تمدن ویل دورانت

رسوم و آثار تاریخی کردها و مادها می‌پردازیم زیرا به قول استاد دانشمند آقای پورداد : « از دین و زبان و خط و ساختمان و کشت و ورز و خورش و پوشش و زندگی خانوادگی و رسوم و عادات و از صدها چیز دیگر فرهنگ ملتی معلوم می‌گردد ، نه از تاریخی که به ذکر جلوس شاهی و درگذشت وی و پیروزی یا شکست وی بسنده کند (۱) ، بعلاوه طبق تحقیقات علما و دانشمندان واقعی و مدارک و شواهد موجود ، آغاز زندگی اجتماعی و حکومت مادها و کردها از هم جدا نیست و با توجه به اینکه قرن‌ها پیش از میلاد مسیح کردها دوش به دوش هم نژادان خود یعنی سایر طبقات مادها بر ضد آشوریان پی‌کار می‌کردند ، (۲) و در کسب افتخارات تاریخی ایران شریک و سهیم بوده‌اند ، باید گفت آنچه که مورخان دربارهٔ مادها نوشته‌اند بطور غیر مستقیم مربوط به تاریخ قوم کرد نیز می‌باشد .

بعضی از داستانهای مربوط به تاحت و تاز آشوریان در سرزمین مادها پس از قریب سه هزار سال هنوز در نقاطی از کردستان بر سر زبانهاست . برخی از پیرمردان داستانی از پدران و گذشتگان خود شنیده‌اند که در آن از ظلم و تعدی پادشاهی به نام « Smaxar » سخن رفته‌است . پادشاهی که به موجب این روایات تمام مسکوکات طلا و نقره را در مناطق زیر نفوذ خود از مردم بی‌نوا و مظلوم گرفت و در خزانه خود جمع‌آوری کرد و قطعاتی از پوست حیوانات را به عنوان پول در مملکت رایج ساخت .

به احتمال زیاد کلمهٔ « سمخر » مقلوب و مصحف نام پادشاه آشور « سنخریب » است که در ضمن نقل سینه به سینه داستان بدین صورت بر سر زبانها باقی مانده است . در کردستان شهر کوچک و زیبا و بسیار با صفائی به نام « آکوی (۳) Akre » (= آگوی - کلمه « آگو ager » در کردی به معنی آتش است) در پای کوهی به همین نام وجود دارد که وجه تسمیه آن داستان جالبی است . داستانی که قرن‌ها سینه به سینه و دهان به دهان نقل شده ، و به موجب آن در قرن هفتم پیش از میلاد دسته‌ای از کردهای مادی که پس از جنگهای طولانی موفق به پس گرفتن این ناحیه از آشوریان غاصب و ستمگر شدند به فرمان فرمانده بزرگ خود « زند » به بنای این شهر همت گماشتند . رئیس کردها از پینمبر کرد ایران باستان زردشت تقاضا کرد که به منظور دلگرمی و تشویق مردم سری به آن دیار بزند زردشت دعوتش را اجابت فرمود و به آنجا سفر کرد و فرمان داد که به عنوان ابراز مسرت همگان از غلبه کردها بر آشوریان و پیروزی خیر بر شر و حق بر باطل بر بالای کوهی که شهر را در دامنه آن می‌ساختند آتشی برافروزند . فرمان پینمبر ایران باستان فوراً عملی شد و سه شبانه روز آتشی تابناک و فروغی پاک و مقدس بر بالای آن کوه زبانه کشید و پرتو افشانی کرد . به همین دلیل و از همان روزگار ، هم آن کوه و هم شهری را که در دامنه آن ساختند « آگوی » (مرکب از آگر + پای مجهول ، پس‌اوند نسبت ، به معنی آتشین) خواندند و بعدها به صورت « آکوی » تلفظ و ضبط گردیده است . (۴)

- (۱) فرهنگ ایران باستان ، استاد پورداد ص ۲۰۴ (۲) کردستان ، تألیف مرحوم علی اصغر شمیم ص ۳۶ . (۳) واقع در بخشی که موسوم به کردستان عراق است . (۴) گوفاری هیوا (مجله ادبی و تحقیقی هیوا) چاپ بغداد شماره ۳ سال اول ، مقاله « آکوی » به قلم شاکو قنّاح .

به موجب همین داستان این شهر مدتها در دست حکومت « بادینان » و زمانی جزو قلمرو حکومت « سوران » ، (سوران و بادینان دوطبقه مهم گرداند) بوده است . از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که :

اولا کردها چنان حس تنفیری نسبت به دشمنان این مرز و بوم داشته و دارند که پس از قریب سه هزار سال هنوز از آشوریان به عنوان مظهر شر و ظلم و تعدی یاد می کنند .
ثانیا تأثیری از عادت باستان آریائی و آئین مزدیسنا تاکنون در بعضی از افسانه های کردی باقی و پایدار است . چنانکه در داستان بالا ، آتش مظهر خیر، و ظلمت نشان شر و بی دادگری است . بعلاوه کلمه آگویا نیز جداگانه جای بحث و تأمل است و در همین گفتار از آن صحبت خواهیم کرد .

وحدت زبانهای کردی و مادی : همانطور که در آغاز این گفتار اشاره کردیم متأسفانه مسائل مربوط به تاریخ و زبان و ادبیات و آداب و رسوم کردها در بسیاری از آثار مورخان و محققان با بی اعتنائی و عدم توجه روبرو شده است . دامنه این بی اعتنائیها حتی در بعضی از آثار محققان برجسته معاصر نیز مشهود است . به عنوان مثال به کتاب با ارزش « تاریخ ماد » ، تألیف ، ا . م . دیاکونوف ترجمه آقای کریم کشاورز اشاره می کنیم . کتابی که نویسنده آن با تحمل زحمات فراوان و استناد به مدارک و منابع گوناگون قدیم و جدید و تازه ترین کشفهای باستانشناسی ، افق تیره و مبهم تاریخ ماد را تا حدود امکان روشن ساخته و خدمتی بزرگ به تاریخ مینهن عزیز ما کرده است . جای بسی تعجب است که در این کتاب سودمند و ممتع و مفصل که نویسنده آن هم مورخ است و هم زبان شناس ، حتی در مباحثی که جنبه تحقیقی موضوع ایجاب می کرده کوچکترین اشاره ای به زبان کردی و رابطه و پیوستگی آن با زبانهای مادی و اوستائی نشده است .

تعجب ما در این زمینه بیشتر از این جهت است که نویسنده « تاریخ ماد » تنها مورخ نیست بلکه « متخصص فقه اللغه و تاریخ خاور باستانی و کارمند ارشد موزه نامی ارمیتاژ استاد علوم تاریخ و عضو افتخاری انجمن آسیائی سلطنتی بریتانیا و صاحب تألیفهای فراوان در تاریخ مشرق کهن و فقه اللغه و زبانهای اکدی و سومری و اورارتوئی و غیره (۱) » است این دانشمند زبان شناس در صفحه ۹۱ « تاریخ ماد » می نویسد : « ... زبان اوستائی ظاهراً مادی نبوده بلکه زبانی جداگانه است » ، و نیز در صفحه ۴۶۷ در همین زمینه چنین می نویسد : « لازم است تذکر دهیم که زبان ایرانی اوستا و لهجه خاص گائاهها ، چنانکه پیشتر متذکر شدیم زبان مادی ایرانی است که آثار آن در اسامی خاص قرن ششم ق . م و قرنها بعد مشاهده می گردد (و زبان پارسی و دیگر السنه نامهای مزبور را بواوم گرفته) و بقایای آن در زبانها و لهجههای ناتها و طالشها و گیلانیان و مازندرانیان و سمنانیان و غیره محفوظ مانده نمی باشد . یا زبان قبیله ای منان (مجوسان) با زبانهای دیگر مادیهای ایرانی ، تفاوت داشته است و یا زبان اوستا زبان قبیله ای منان (مجوسان) نبوده ، بلکه یکی از السنه آسیای میانه بوده ، در صورتیکه زبان گائاهها زبان مادری خود زرتشت بوده »

گفتگو در این زمینه که زبان اوستائی غیر از زبان مادها (عقیده دیاکونوف) یاهمان

زبان مادهاست (عقیده دارمستر) (۱) و یا چنانکه استاد پوردادو احتمال می‌دهد لهجه‌ایست از زبان مادها (۲) نه تنها خارج از حدود این گفتار است، بلکه موضوعی است پس مهم و مربوط به زبان‌شناسان. هدف ما از نقل این مطلب کوتاه از تاریخ ماد اقامه دلیل در مورد بی‌اعتنائی نویسنده کتاب مزبور بر زبان کردی یعنی وارث حقیقی زبان مادی است که حتی از آن نامی هم نبرده است. در حالیکه بررسی دقیق همان کلمات معدودی که از زبان مادها در دست است حقایقی به دست می‌دهد که نه تنها شاهد پیوستگی این دوزبان، بلکه گویای وحدت اولیه آنهاست. اینک نمونه‌هایی از این دلایل و شواهد:

الف: یکی از چند کلمه‌ای که بوسیله کتب یونانی و غیره از زبان مادها به ما رسیده، کلمه «سپاکه» یا «سپاکه» است که هرودوت آن را نقل کرده و می‌گوید: مادی هاسگه را سپاکه Spaka می‌گفتند (دکتر معین در مقدمه برهان قاطع این کلمه را سپاکه و مشیرالدوله در ایران باستان سپاکو ضبط کرده است) این کلمه تا کنون در زبان کردی باقی است و مخصوصاً کرد های مناطق عشایری کردستان و ده‌نشینانی که زبان‌شان کمتر دستخوش دگرگونیها شده، سگه را «سپلوك Splok» گویند. و نیز کلمه «سپله Spila» که از همین ریشه است صفت و به معنی سنگ مانند است. در اوستا نیز واژه Spaka به معنی «سگ مانند و سگ همال» یعنی به صورت صفت آمده است (۳).

ب: یکی دیگر از کلمات مادی که تا کنون در زبان کردی محفوظ مانده کلمه «بودین» است که اسمی خاص و نام یکی از طبقات و یا ایل‌های شش‌گانه مادهاست. چه هرودوت مادها را به شش طبقه: بوزها، پارتاسن‌ها، استروخاتها، اریزاتها، بودین‌ها و میغ‌ها، تقسیم می‌کند (۴).

امروز از لحاظ نوع لهجه‌های مهم و وسیع کردها به دودسته بزرگ تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

سوران (با واو مجهول Sôran) و بادینان Bâdinân. همان کلمه مادی «بودین» یعنی اسم یکی از قبایل شش‌گانه ماد است که در آن حرف «واو» به «الف» تبدیل شده و «الف و نون» آخر آن هم علامت نسبت است که نظیر آن در کردی و فارسی بسیار است. مانند بامدادان (منسوب به بامداد) و گیلان (منسوب به گیل) و، توران (منسوب به تور) (۵) زبان دسته اول از طبقات دوگانه کردها را «سورانی» و زبان رسته دوم را «بادینانی» گویند. «بادینانی» یعنی منسوب به «بادین» ها (= «بودین» ها). چنانکه نام قوم ایرانی «پارت» که در فارسی باستان و در کتیبه‌های داریوش Parthava، است به مرور زمان و مطابق قواعد

(۱) رجوع شود به، ایران باستان کتاب اول تمدن مادیها ص ۲۱۹-۲۲۴ و تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران، عباس پرویز، جلد اول ص ۳۸ (۲) مقدمه برهان قاطع مقاله «زبانها و لهجه‌های ایرانی» به قلم استاد پوردادو. (۳) فرهنگ ایران باستان، استاد پوردادو ص ۲۰۸ (۴) تاریخ دوهزاروپانصد ساله ایران، عباس پرویز جلد اول ص ۳۸ و تحولات فکری در ایران. دکتر موسی بروخیم ترجمه ابوذر صداقت ص ۱۴

(۵) ایران باستان ص ۲۶۰۱

فقه‌اللفظ پارسى به «پهلوه» مبدل شده و منسوب به آن راهلوی یا پهلوانی (۱) گفته‌اند . مانند این گفته فردوسی :

از آن زخمه سرکش چو بیهوش گشت بدانست کآن کیست خاموش گشت
 که چون بار بد کس چنان زخم رود نداند نه آن پهلوانی سرود (۲)

ج : دیاکونوف در صفحات ۹۰ و ۹۱ مقدمه جامع تاریخ ماد ضمن بحث از بعضی کلمات مادی که وارد زبان پارسی باستان شده است می نویسد : «... ولی جالبتر از همه این است که خود نام فارس (پارس) مادی است . در زبان پارسی باستانی می بایست به شکل « پارت Parth » ، بر خویریم . ولی برعکس کلمه «پارت» که بزبان پارتی و مادی می بایست «پرسو - Parsava» نامیده شود «پرتو Parthava» خوانده شده و «پرسو Parsava» (یا به آشوری «پارسوا») به ناحیه دیگری میگفتند که در اقصای غربی خاک ماد واقع بوده و منابع آشوری و اورارتویی آنرا چنانکه باید بشناسانده‌اند . این واقعه تصادف محض نیست . این اصطلاحات به کلمات ایرانی «پارس Parsa» و «پارسا Parsava» که به معنی «دنده» و مجازاً «پهلوه» و «کنار» است و «پارس» و «پارسوا» و «پارت» در کنار خاک ماد قرار داشتند : در جنوب «پارس» و در مغرب «پارسوا» و در مشرق «پارت» قرار داشت (و در شمال ماد در میان دیگر قبایل به نام «پارسی‌ها» هم برمیخویریم) . هر سه نام بمعنی «کنار» میباشد و ماد مرکز «پارسوا» و «پارس» بنظر میرسد و ظاهراً پارت برای قبایلی که بلهجه های جنوب غربی سخن میگفتند ، بمنزله «کنار» - ی بوده .

از این هم جالبتر این است که این کلمه مادی امروزه در زبان کردی با همان معنی باستانی خود محفوظ است . چه «پراسو Parāsu» در کردی به معنی «دنده» و مجازاً «پهلوست» (دراوستا نیز Peresu به معنی دنده و جانب آمده است (۳)) و نیز کلمه کردی «پر Par» از همین ریشه و به معنی ساحل و کنار است (دراوستا Porā از قیود است یعنی دور (۴) Pairi = پیرامون (۵)) . کلمات بسیاری در کردی و فارسی می بینیم که جزء اول آنها همین ریشه مادی و کردی «پر Par» است (۶) مانند کلمه کردی «پراویز Parāwēz» که مرکب است از par + awēz (= آویخته) و روی هم یعنی ، کنار آویخته ، و منظور از آن نواری از پارچه است که بر کنار و حاشیه جامه ها می دوزند (فارسی فراویز و فرویز) و پامانند کلمات فارسی ، پراکندن ، پرهیز ، پرگار ، پرتاب ، پرت کردن ، پرت گفتن و پرچین . ناگفته نماند که معنی اصلی Par مخصوصاً در کلمه اخیر کاملاً مشخص است ، چه کلمه پرچین مرکب است از Par (=

(۱) ایران باستان ۱۱۸۳ و ۸۴ - بعضی «پهلوان» راجع کلمه «پهلوه» دانسته‌اند و نیز جمع این کلمه را «پهلویان» نوشته‌اند . رجوع شود به «ایران از نظر خاورشناسان» ترجمه باحاشی ، دکتر رضازاده شفق ۵ و ۱۴ (۲) شاهنامه فردوسی از روی نسخه ژول مول ، جلد هفتم . داستان باربد ۱۵۹ (۳) برهان قاطع به اهتمام دکتر معین ، حاشیه ص ۴۳۱ (۴) یادداشت‌های گاتاها ، استاد پور داود ص ۳۷۶ (۵) برهان قاطع حاشیه ص ۳۷۹ (۶) رجوع شود به «گوفاری هه تاوه» (مجله ادبی و تحقیقی هه تاوه) چاپ دهه ولیو، شماره ۱۰۹ سال ۴ - سر مقاله به قلم ملک الکلام مجدی سقزی .

کناروپیرامون) + چین (از چیند و رویهم یعنی پیرامون چیده کلمه مادی « پارت نیز جداگانه در کردی باقی مانده و مطابق قواعد فقه‌اللغه به صورت «پارل Pâl» (بالامفخم) درآمده است بدین ترتیب که ابتدا مبدل به «پهل» شده و چون در زبان کردی حرف «ها» در وسط کلمه به «الف» تبدیل می‌شود (چنانکه تهرسان را «تاران» شهر را «شار» شاهنامه را «شانامه» و مهر یا مهریه را «ماره‌یی» گویند) این کلمه نیز به صورت «پال» درآمده که به معنی «پهل» و جانب است .

د : بطوریکه قبلا اشاره شد کلمه «آکویا آگو» نیز جای بحث و تأمل است . مشیر - الدوله در ایران باستان ضمن نقل روایت ، ژوستن در باره تقسیم متصرفات اسکندر از طرف جانشینانش می‌نویسد: «ماد علیا (ماد کوچک یا آذربایجان) به آتروپات رسید در بعضی نسخ کتاب ژوستن این نام را «اکروپات» نوشته‌اند که باید مصحف آتروپات باشد زیرا «آگر» در کردی به معنی (آثر) و (آتر) است که به زبان کنونی پارسی آتش گوئیم (۱)»

محقق دانشمند آقای دکتر معین نیز در حاشیه برهان قاطع ذیل کلمه «اگر» با اشاره به ایران باستان و تاریخ ژوستن در باره نام حاکم آذربایجان می‌نویسد: «آکریات که به معنی آذرباست باید مصحف آگریات باشد مرکب از آگر (کردی و شاید مادی) و ساوند اتصاف (۲)» حال با توجه به اینکه از طرفی جزء اول نام حاکم ماد کوچک و جزء اول نام شهر «آگری» هردو «آگر» است و از طرف دیگر داستان وجه تسمیه این شهر منسوب به دوره مادها و «آگر» نیز در کردی به معنی آتش است می‌توان اطمینان پیدا کرد که کلمه «آگر» یا «آگر» نیز یکی دیگر از کلمات مادی است که تا کنون در کردی محفوظ مانده است . ناگفته نماند که عربها کلمه «آکوی» یعنی نام شهری باستانی از شهرهای کرستان را که قبلا از آن صحبت کردیم معرب کرده ، به صورت «عقری» (عقرا) در آورده‌اند و منسوب به آن را «عقراوی» گویند .

ه : یکی دیگر از نقاط کرستان که هنوز نامی باستانی و مربوط به دوره مادها دارد منطقه «آمدی (۳) Ämedi» است که عربها در زبان خود به صورت «عمادیه» در آورده‌اند ولی در زبان کرد های ساکن آنجا تلفظ و اصالت دیرین این کلمه محفوظ است .

شکی نیست که این کلمه صورتی دیگر از کلمه «ماد» است که از قدیم الایام برای منطقه از سرزمین مادها اطلاق شده است . منطقه‌ای که پیش از سایر قسمت‌های قلمرو دولت مساد هدف هجوم آشوریان ستمگر قرار گرفت و از دست این مهاجمین غاصب بلاهید .

چه «نخستین اشاره به قوم ماد در کتیبه‌ای است که گزارش حمله شلمنصر سوم به سر - زمینی به نام «پارسوا Parsual» در کوه‌های کردستان بر آن ثبت شده ، از اخبار چنین بر می - آید که در این ناحیه بیست و هفت امیر و شاه بر بیست و هفت ولایت کم جمعیت حکومت می - کرده‌اند و مردم این ولایات را «امادها» یا «مدها» می‌نامیده‌اند (۴) و نیز تلفظ این کلمه در زبان آشوری «مادای ، آمادای و ماتای (۵)، بوده ، و یکی از حکومت‌های محلی مادها در

(۱) ایران باستان ص ۱۹۶۸ (۲) برهان قاطع ص ۵۳ (۳) واقع در شمال بخش موسوم به کردستان عراق (۴) تاریخ تمدن ویل دورانت کتاب اول ترجمه احمد آرام ص ۵۱۴ (۵) تاریخ ماد دیاکونوف ص ۱۹۱

نزدیکی سقر و بانه فعلی «آمادای» خوانده می‌شده است (۱).
 کلمه «آمدی» که امروز نام گوشه‌ای از کرستان است باید مصحف «آمادای» باشد.
 در اینجا بی‌مناسبت نیست اشاره کنیم که، ناصر خسرو در سفرنامه خود از شهری به نام «آمد»
 AMED واقع در بین‌النهرین و ساحل دجله نام برده و درباره عظمت و آثار باستانی و شاهکار
 های معماری آن مطالب جالبی نوشته است. محل اربع شهر امروز شهر دیار بکر واقع در
 جنوب ترکیه و از شهرهای مهم کردنشین آن کشور است. در حومه سقر دهکده‌ای به نام
 «پارسا نیان» وجود دارد که ظاهراً اسم آن از همان ریشه کلمه «پارسوا» است که در بالا به آن
 اشاره شد و مطابق کتیبه شلمنسر سوم به منطقه‌ای در کوه‌های کردستان اطلاق می‌شده، همان
 محلی که دیاکونوف هم آن را قسمتی از اقصای غربی خاک ماد دانسته است. بطور کلی از آنچه
 گذشت می‌توان نتیجه گرفت که:

اولاً: کلمه Spâke که در زبان مادی اسم عام و به معنی «سگ» بوده است در زبان
 کردی با اندک تغییری در املاء و تلفظ باقی مانده است. علاوه بر این مورد استعمال صورتی
 دیگر از این کلمه یعنی Spaka (که به صورت صفت در اوستا بکار رفته است) همچنان در
 زبان کردی محفوظ است و کلمه Spia که از همان ریشه است صفت و به معنی سگ
 مانند است.

ثانیاً: حرف اول هر يك از این کلمات مادی، اوستائی و کردی یعنی «S» ساکن است
 و ابتدا به ساکن نیز یکی از خصوصیات زبانهای قدیم ایرانی است که در کردی محفوظ مانده
 و نظایر بسیار دارد.

ثالثاً: کلمه «بودین» یعنی نام یکی از قبایل شش گانه مادها امروز هم نام طبقه معینی
 از نوادگان آنها یعنی کردهاست و حتی بخشی از مسکن «بادین» ها (= بودین‌ها) با همان
 نام باستانی «آمدی» خوانده می‌شود. و از همین جامی‌توان استنباط کرد که مرکز و محل
 سکونت «بودین‌ها» نواحی غربی قلمرو ماد بوده است. دیاکونوف در این زمینه می‌نویسد:
 «شاید بودیان از حیث مکان غربی‌ترین قبیله ماد بوده اند (۲)».

رابعاً: «فارس» یا «پارس» کلمه‌ای است مادی و ریشه و صورت اولیه آن اکنون هم در
 زبان کردی با همان معنی قدیمی خود محفوظ است و نیز کلمه کردی «آگر» که در زبان
 فارسی امروز آذرو آتش است یکی دیگر از کلمات زبان مادی است.

بطور خلاصه می‌توان گفت، که در این واحد کوچک آزمایشی وحدت کامل زبان های
 کردی و مادی مشهود است و این خود مطلبی مهم و اساسی در تعیین ریشه نژادی کردهاست.
 زیرا اگر چه «تعیین نژاد قومی در بعضی موارد کاری است بس مشکل و پایه‌ای که کاملاً بی‌عیب
 باشد یافت نمی‌شود تا بتوان آن را مبنای قضاوت قرارداد ولی پایه‌ای که نسبت به پایه‌های
 دیگری بی‌عیب‌ترین آنهاست زبان است. زیرا به تجربه ثابت گردیده که پایه‌ای بهتر از زبان
 وجود ندارد (۳)، و اگر تمام مبانی فرضی را در نظر گیریم می‌بینیم باز مبنائی که بر زبان باشد
 نسبتاً صحیح‌تر و مخصوصاً برای عهد قدیم این پایه بی‌عیب‌ترین پایه هاست (۴)».

(۱) کرد و پیوستگی‌های نژادی و تاریخی او. رسید یاسمی ص ۴۶ و ۵۰

(۲) تاریخ ماد ص ۱۹۴ (۳) ایران باستان ص ۲۱۹۳ (۴) ایران باستان ص ۳۰